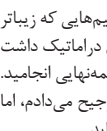


۱۴ پادشاه‌های یک صحنه فوتبال ۱۸۰ → امیر صدری



Kondra1968@yahoo.com

جمعه‌شب، شب بود؛ یه برای آنهایی که فکر می‌کنند در فوتبال تیم‌هایی که زیباتر بازی می‌کنند و کمتر نتیجه‌گرا هستند بار پند شدند، جمعه دو بازی دراماتیک داشت که فکر می‌کنم نتایج هر دو بازی به غیرجذاب‌تر شدن بازی‌های مرحله نیمه‌نهایی انجامید. شخصاً بازی‌ای مثل برزیل - غنا را بسیار به بازی‌ای مثل اروگوئه - هلند ترجیح می‌دادم، اما امیدوار باقی می‌مانم تا شاید این بازی هم دراماتیک و جذاب از کار دربیاید.

■ **برزیل حیف**
شاید موجزترین و گویاترین حرف در مورد بازی برزیل - هلند را مرتضی محصص زد: «برزیل از لحاظ تاکتیکی و تکنیکی از هلند سبز بود اما مهم این است که هلند بازی را برد.» فکر می‌کنم خود هلندی‌ها هم خیلی به بسردن برزیل فکر نمی‌کردند، اما این اتفاق افتاد، چرا؟ اگر بگویم روی بخت و اشتباهات از ارزش کار هلندی‌ها کم کردیم؟ احساس شخصی من این است که در این بازی حق به حق دار نرسید و هلند در روزی که روز خوش نبود، توانست برزیل را از جام بیرون کند. برای ادعای خودم در مورد هلند دلایلی هم دارم: هلند در بازی با برزیل مثل اکثر بازی‌های خودش با شش بازیکن تدافعی و چهار بازیکن تهاجمی به زمین آمد. در ساختار دفاعی لوجیی جانشین ماتیسن شد تا قلب دفاع هلند از همیشه آسیب‌پذیرتر باشد. در عین حال فن برنگه‌وست و فن درویل دو مدافع کناری هلند دفاعی‌ترین روز خود در جام را تجربه کردند و حتی یک بار هم روی دروازه حریف ظاهر شدند. دو هافبک دفاعی هلند - دی‌وونگی و فن بومل - هم بسیار جنگیدند و بسیار تکل زدند اما فقط بازی حریف را خراب کردند، نه اینکه برای تیم خودی بازسازی کنند. در ساختار حمله هم وسلی اشتایندر (با اسنادیدر) بدترین روز سال‌های اخیر خودش را تجربه کرد، (چرا او بهترین بازیکن زمین شد؟) فن‌پرسی هم در نوک حمله واقعا فاقد تاثیرگذاری بود و او هم یکی از بدترین روزهای فوتبال خودش را تجربه کرد. روین هم که موثرترین بازیکن نارنجی‌ها بود (شاید فقط به لحاظ حفظ توپ و برهم زدن تمرکز حریف) هم فقط برای خودش بازی کرد و بازی ارائه داد که در خیلی از اوقات اصحاب خردکن بود. (آیا بازی برزیلی‌ها پر از تفاخر و غرور و ادا و اصول بود یا بازی روین؟) در کنار این سه نفر فقط درک کویت بود که مسلح بازی خودش را ارائه داد و شاید بشود گفت او بهترین بازیکن زمین هم بود. حالا با این تفاسیل می‌شود گفت هلند شایسته این پیروزی بود. هلند ۲۰۱۰ محافظه‌کارترین، دفاعی‌ترین و متکی به فردترین تیم ۲۰۰۲-۱۰ سال اخیر است، اما حالا این تیم به جام بسیار نزدیک است و این حداقل برای من خوشایند نیست. برزیل مقابل هلند نمایش فوق‌العاده‌ای نداشت اما بی‌انصافی است اگر برتری مشهود این تیم بر حریف را زیر سوال ببریم. در نیمه اول این بازی مشخص شد تفاوت بازی دو تیم چقدر است. در روزی که کاکا نمایش خوبی داشت (خوب نه عالی) و روبینیو هم خوب بود و مایکون و دنی آلوژ هم خیلی خوب بودند فقط سه اشتباه (روزی دو گل و یک اخراج) سرنوشت بازی را به نفع هلند رقم زد. برای تمام کردن این بحث می‌شود مدافعان میانی، مدافعان کناری، هافبک‌های نفوذی و مهاجمان دو تیم را مقایسه کرد و رای به برتری نسبی زردها (که در این بازی آبی پوشیده بودند) داد. شاید تنها هافبک‌های دفاعی هلند برتر از هافبک‌های دفاعی برزیل بودند و اتفاقاً با اشتباهات همین مردان بود که سرنوشت بازی رقم خورد. به هر حال برزیل ۲۰۱۰ از آن برزیل‌های فوق‌العاده‌ای نبود که بشود سال‌ها در مورد آن حرف زد اما همین برزیل هم یکی از بهترین تیم‌های جام بود که حالا مسابقات بدون آن نه یک چیز که خیلی چیزها کم دارد. نکته: داوری این بازی فاجعه بود. چطور می‌شود برای یک بازی بزرگ یک داور کوچک گذاشت؟ داور زاپانی این بازی بچگانه عمل کرد و نتوانست بازیکنان بزرگ دو تیم را کنترل کند. او بدترین مرد میدان بود و ثابت کرد جام نوزدهم چقدر از ضعف داوری لطمه خورده است.

■ **غنا حیف‌تر**
شد. شک کنئید که این بازی دراماتیک‌ترین بازی جام بود. چه کسی فکرش را می‌کرد که دو کوچکی که رسیدن آنها تا همین جا هم شگفتی محسوب می‌شده، بازی فوق‌العاده‌ای را رقم بزنند. (این جملات را قبل از زدن ضربات پنالتی آخر بازی نوشتم). حیف از غنا حالا می‌گویم حذف غنا از حذف برزیل هم تلخ‌تر بود، آنها فقط چند سانتیمتر تا رسیدن به پهنش فاصله داشتند، فقط چند سانتیمتر. می‌دانید همیشه اول شدن چقدر باشکوه است؟ چقدر می‌تواند لذتبخش باشد؟ دوست داشتم در این جام یک لحظه تاریخی رقم بخورد و یک آفریقای برای اولین بار در خاک خود آفریقا به جمع چهار تیم نهایی راه یابد. فقط اگر آساموا جیان چند سانتیمتر پایین‌تر را نشانه می‌گرفت این اتفاق می‌افتاد، اما فقط می‌توان گفت حیف؛ حیف از غنایی که خوب بود، بهتر از اروگوئه بود، اما بی‌تجربگی این تیم را حذف کرد، بی‌تجربگی در لحظه‌های حساس نتوانست آن حق را به حقدار برساند، حیف. شاید بیش از حد احساساتی شدم‌ام اما جدا از اینکه غنا نماینده آفریقا بود به نظرم رسید که این تیم بسیار تیم‌تر از اروگوئه بود. در واقع اروگوئه همان طور که قبلاً هم نوشته بودم تیم هشت سرباز و سه پادشاه (فورلان، سوارز، کلاونی) است و در این بازی تازه کلاونی در پست جدیدش - هافبک راست - کم‌فروغ بود و این گونه شد که غنا بیشتر بر میدان تسلط داشت و بیشتر لحظات حساس را رقم زد و بازی‌اش هم بیشتر به چشم آمد. (تازه غنایی‌ها بهترین بازیکن خود در این تورنمنت یعنی آندر آیف را در این بازی نداشتند) در این بازی مونتاری (بعد آپی)، پرینس پواتنگ و به خصوص آساموا جیان بازیکنانی بودند که از کنترل توپ، حرکت‌های فردی و دو پا سه نفره اروگوئه را کاملاً تحت تاثیر خود قرار دادند و بازی‌ای را به نمایش گذاشتند که به آن می‌توان گفت: «هر خاطرماندنی» غنا شاید شایسته‌ترین تیم حذف‌شده جام - تا اینجا یی کار یعنی جمعه‌شب - بود. در این حذف قطماً آساموا جیان مقصر اصلی شناخته می‌شود، اما این چیزی از ارزش‌های بازیکن ۲۵ساله غنا کم نخواهد کرد. شاید تنها جمله تسکین‌بخش این باشد که غنا را با همین اسکلت می‌توان چهار سال بعد هم دید (تیم فعلی معدل سنی حدود ۲۵ سال دارد). خیلی ظالمانه است در مورد یک بازی بنویسی و در مورد تیم بده هیچ چیز ننویسی؟ این حس من بود، و حالا حس بدی دارم چرا که هر دو تیم شایسته‌تر روز جمعه حذف شدند و حس بدتری دارم چراکه فکر می‌کنم هلند - که تنها هلند دو دهه اخیر است که دوستش ندارم - به راحتی اروگوئه‌ای را که احتمالاً لوگانو، گودین، لودیرو و سوارز را در خدمت نخواهد داشت، شکست می‌دهد.

طغی → امیر قباد فرمی

مرثیه غنا



به دست قبیله همسایه اینقدر ناراحتشان کرده باشه که حالا با شنیدن حذف غنا روزگار چنین تیره و تار شده. شاهین و دار و دسته سه نفری کومبا کومباش که مشخص شده تو ماداگاسکار به گروه موسیقی معروف بودن، از صبح داشتن آهنگ‌های غمگین می‌زدن. به آهنگ هم فی‌البداهه ساختن اسمش رو گذاشتن مرثیه برای قهرمان. رویای این چهار، پنج تا ملوان غنایی تو کشتی برای قهرمانی تو جام جهانی نقش بر آب شده و سوسن داره در گوش صغری علت باخت غنا رو نداشتن شخصیت تیمی بیان می‌کنه. من میگم اگه غنا با این همه بازیکن که تو لیگ‌های درجه یک اروپایی بازی می‌کنن شخصیت قهرمانی نداره، چطوره که اینا فکر می‌کنن تیمی که سالار از لات و لواتی محل دست و پا کرده و بیشتر پرورش اندام کار کنن تا فوتبال، می‌تونه شخصیت تیم قهرمان باشه. حالا الاگه مسابقات راکبی بود به چیزی. غم غنایی‌ها آندره جانگناز بود که کاپیتان رضایت داد به خاطر شاد شدن روح پواتنگ من رو به عرشه برگردوندن. به حس خوبیه که نمی‌دونین. احساس می‌کنم اونقدر خون به مغزم رسیده که سه ماهی بدون خون زنده می‌مونم. غنایی‌ها به نایب درست کردن و پوسترهای تیم رو گذاشتن نوش؛ می‌خوان بندازن تو دریا. این دیگه آخر جوگیرانه‌ریزه. اصلاً من نمی‌دونم چرا همه توقع دارن برن فینال و قهرمان بشن. بیشتر تیم‌ها جای ادعای قهرمانی توهم قهرمانی دارن به خدا یعنی یکی به زمانی گفته شگفتی، حالا همه راه افتادن تو آفریقا دنبال خلق کردنش می‌گردن. لایه‌ای مورش‌هایی که از اقصی نقاط عالم برای تسلیت به پواتنگ و به‌خاطر هلاش به کشتی می‌رسید به مورش هم از اسد اگرخوه اومده بود. می‌گفت تو نشریات اسپانیا همه پیگیر نتایج تیم محله هستن. من نمی‌دونم تو اسپانیا مردم اینقدر خل شدن که جای نگرانی برای بازی‌های تیم خودشون دنبال نتایج بازی‌ها برگرار نشنده تیم محله ما می‌گردن. خواستم به پواتنگ بگم چند تا نتیجه‌ایرومند براش مورش کنه، مرکت تو اسپانیا سرشکته‌ست. اصلاً ندانم چطور خوشیا سال‌گار نیست. حالا فهمیدم چقدر خوبه که ما وقتی اتفاقی برامون می‌افته رنگ به رنگ می‌شیم. این پواتنگ برای اینکه نشون بده ناراحته مجبوره به عالمه شکلهای جور واجور از خودش دربیاره. تازه بعد این همه تالش، آدم فکر می‌کنه داره برای دلکد شدن ثوی سیرک تمرین می‌کنه. به مورش هم از محل اومده است. همان سالار مورش فرستاده بود. «احتیاج. اسبان. آفریقا سوغات». بیچاره می‌گوشه پواتنگ نیست از پیغامی که برای پسرش فرستاده چه منظوری داشته؛ به هر حال هیچ کس جز کلمه سوغات از ارتباط بقیه یافت با هم چیزی دستگیر نشد. امروز به علت حذف غنا بازی تمرینی تیم محل با ملوانان برگزار نشد. کاپیتان من رو به کلین خودش برده تا با هم شطرنج بازی کنیم. تیم اونم این بارو چه مرگش، دیروز داشت من رو خوراک کوسمه‌ها می‌کرد، امروز میگه شطرنج بازی کنیم. اونم وسط جام جهانی فوتبال. با اینکه خون زیادی به مغزم رسیده و دارم به شدت حرکت‌های نابخردانه کاپیتانم رو آلتاير می‌کنم، جرات اینکه حتی به سربازش رو رزنه، ندارم. یعنی واقعا نمی‌صرفه. فقط به خودم جرات دادم که ببرسم کی می‌رسیم ژوهانسبورگ و جواب برام جالب بود. «ما که ژوهانسبورگ نمی‌ریم.» لیخنسورگ زده، ما اینکه اصلاً نمی‌خواستیم از دیوار زبان بالا برم ولی فقط صرف کنجکاو ی پرسیدم: «پس کجا می‌ریم لطفاً» و اون بدون توجه به اینکه فیل ال حرکت نمی‌کنه، وزیر من رو از صفحه شطرنج بیرون انداخت و گفت: «ششلی». یعنی اگه من رو بکشن به صغری و سالار و شنیم نمیمگم که کشتی تمیره آفریقای جنوبی. بذار وقتی تو شیلی از کشتی پیاده شدن دنبال محل برگزاری مسابقات بگردن. ای اون موقع دل خنک شه. ای...



مهدی زعیمراده

سال پنجم ■ شماره ۱۰۰۳ ■ یکشنبه ۱۳ تیر ۱۳۸۹

صعود اروگوئه با دست خدا ۲۰۱۰

طلسم



حکایت روزی

داستان ابقای گران‌ترین مربی ملی جهان

شش راهکار برای موفقیت

می‌فرستد. در بزرگی او کوچک‌ترین تردیدی وجود ندارد.» به زعم گاردین، کاپلو در صورت رعایت این شش نکته موفق می‌شود.

تغییر میناگین سنی: اکثر ملی‌پوشان فعلی تیم ملی انگلیس در چهارمین دهه زندگی خود روزگار سپری می‌کنند. تجربه فاکتور مناسبی به حساب می‌آید اما وقتی چشم‌انداز آلمان فعلی را می‌بینیم، بازنشسته کردن امثال تری، لمبارد و جرارد را ضروری می‌بینم.

اعتماد به جوانان: امثال اشلی یانگ باید بیش از پیش در میادین ملی آبدیده شوند. تنها راه استفاده درست از جوانان نه تعویض کردن آنها به بهانه محافظت بیشتر بلکه اعتماد کردن به استعدادشان است.

روابط عمومی قوی‌تر: کاپلو پس از دو سال و نیم تلاش در سمت فعلی هنوز به زبان انگلیسی مسلط نیست. اگر او کوتاه نایند، باید بر تعداد آموزشگاه‌های زبان ایتالیایی در انگلیس افزود. در غیر این صورت موفقیت معنایی ندارد. چگونه وقتی زبان همدیگر را متوجه نمی‌شوید، می‌توانید روی یک زندگی مسالمت‌آمیز حساب کنید؟

انعطاف تاکتیکی: کاپلو تحت هیچ شرایطی از ۴-۴-۴ دست نمی‌کشد. انگلیسی‌ها غالباً مقابل تیم‌های دارای یک بازساز بین خطوط، دچار مشکل می‌شوند.

سختگیری: جنجال‌های به وجود آمده پس از تساوی بدون گل مقابل الجزایر ثابت کرد فابیو خصوصیات «معلم‌وار» خود را از دست داده است. تساهل و تسامح مقابل بازیکنان افسارگسیخته‌ای مانند جان تری ظلم در حق تیم تلقی می‌شود.

جلب حمایت: کاپلو نیاز به جلب نظر مثبت بازیکنان تیم ملی انگلیس دارد.

نیازی نداشتند اما در دقیقه ۱۲۰ بازی لوئیس سوارز میلیمتر کم آورد. در دقیقه ۱۲۰ بازی اروگوئه - غنا، آساموا جیان پنالتی‌زن ماهر غنا می‌توانست همانند بازی با استرالیا و صربستان پنالتی خود را گل کند تا برای اولین بار یک تیم آفریقایی در جمع چهار تیم برتر جام جهانی قرار بگیرد. تمام قاره سیاه به پای‌های مهاجم توانمند غنا چشم دوخته بودند، اما ضربه جیان چند میلیمتر بالاتر از جایی که قرار بود برود، رفت. پنالتی جیان گل نشد تا غنا فرصت تاریخ‌سازی را از دست بدهد. با این حال ستاره‌های سیاه (لقب نیمه غنا) یک فرصت دیگر هم داشتند؛ ضربات پنالتی توانمند غنا جانشین ماتیسن شد تا قلب دفاع قبل پنالتی‌اش را از دست داده بود این بار به زیبایی هرچه تمام‌تر توپ را وارد دروازه کرد تا مشخص شود او همچنان پنالتی‌زن ماهری است، اما سرنوشت طوری نوشته شده که آفریقا به این تفاسیل می‌شود گفت هلند شایسته این پیروزی بود. هلند ۲۰۱۰ محافظه‌کارترین، دفاعی‌ترین و متکی به فردترین تیم ۲۰۰۲-۱۰ سال اخیر است، اما حالا این تیم به جام بسیار نزدیک است و این حداقل برای من خوشایند نیست. برزیل مقابل هلند نمایش فوق‌العاده‌ای نداشت اما بی‌انصافی است اگر برتری مشهود این تیم بر حریف را زیر سوال ببریم. در نیمه اول این بازی مشخص شد تفاوت بازی دو تیم چقدر است. در روزی که کاکا نمایش خوبی داشت (خوب نه عالی) و روبینیو هم خوب بود و مایکون و دنی آلوژ هم خیلی خوب بودند فقط سه اشتباه (روزی دو گل و یک اخراج) سرنوشت بازی را به نفع هلند رقم زد. برای تمام کردن این بحث می‌شود مدافعان میانی، مدافعان کناری، هافبک‌های نفوذی و مهاجمان دو تیم را مقایسه کرد و رای به برتری نسبی زردها (که در این بازی آبی پوشیده بودند) داد. شاید تنها هافبک‌های دفاعی هلند برتر از هافبک‌های دفاعی برزیل بودند و اتفاقاً با اشتباهات همین مردان بود که سرنوشت بازی رقم خورد. به هر حال برزیل ۲۰۱۰ از آن برزیل‌های فوق‌العاده‌ای نبود که بشود سال‌ها در مورد آن حرف زد اما همین برزیل هم یکی از بهترین تیم‌های جام بود که حالا مسابقات بدون آن نه یک چیز که خیلی چیزها کم دارد. نکته: داوری این بازی بچگانه عمل کرد و نتوانست بازیکنان بزرگ دو تیم را کنترل کند. او بدترین مرد میدان بود و ثابت کرد جام نوزدهم چقدر از ضعف داوری لطمه خورده است.

■ **غنا حیف‌تر**
شد. شک کنئید که این بازی دراماتیک‌ترین بازی جام بود. چه کسی فکرش را می‌کرد که دو کوچکی که رسیدن آنها تا همین جا هم شگفتی محسوب می‌شده، بازی فوق‌العاده‌ای را رقم بزنند. (این جملات را قبل از زدن ضربات پنالتی آخر بازی نوشتم). حیف از غنا حالا می‌گویم حذف غنا از حذف برزیل هم تلخ‌تر بود، آنها فقط چند سانتیمتر تا رسیدن به پهنش فاصله داشتند، فقط چند سانتیمتر. می‌دانید همیشه اول شدن چقدر باشکوه است؟ چقدر می‌تواند لذتبخش باشد؟ دوست داشتم در این جام یک لحظه تاریخی رقم بخورد و یک آفریقای برای اولین بار در خاک خود آفریقا به جمع چهار تیم نهایی راه یابد. فقط اگر آساموا جیان چند سانتیمتر پایین‌تر را نشانه می‌گرفت این اتفاق می‌افتاد، اما فقط می‌توان گفت حیف؛ حیف از غنایی که خوب بود، بهتر از اروگوئه بود، اما بی‌تجربگی این تیم را حذف کرد، بی‌تجربگی در لحظه‌های حساس نتوانست آن حق را به حقدار برساند، حیف. شاید بیش از حد احساساتی شدم‌ام اما جدا از اینکه غنا نماینده آفریقا بود به نظرم رسید که این تیم بسیار تیم‌تر از اروگوئه بود. در واقع اروگوئه همان طور که قبلاً هم نوشته بودم تیم هشت سرباز و سه پادشاه (فورلان، سوارز، کلاونی) است و در این بازی تازه کلاونی در پست جدیدش - هافبک راست - کم‌فروغ بود و این گونه شد که غنا بیشتر بر میدان تسلط داشت و بیشتر لحظات حساس را رقم زد و بازی‌اش هم بیشتر به چشم آمد. (تازه غنایی‌ها بهترین بازیکن خود در این تورنمنت یعنی آندر آیف را در این بازی نداشتند) در این بازی مونتاری (بعد آپی)، پرینس پواتنگ و به خصوص آساموا جیان بازیکنانی بودند که از کنترل توپ، حرکت‌های فردی و دو پا سه نفره اروگوئه را کاملاً تحت تاثیر خود قرار دادند و بازی‌ای را به نمایش گذاشتند که به آن می‌توان گفت: «هر خاطرماندنی» غنا شاید شایسته‌ترین تیم حذف‌شده جام - تا اینجا یی کار یعنی جمعه‌شب - بود. در این حذف قطماً آساموا جیان مقصر اصلی شناخته می‌شود، اما این چیزی از ارزش‌های بازیکن ۲۵ساله غنا کم نخواهد کرد. شاید تنها جمله تسکین‌بخش این باشد که غنا را با همین اسکلت می‌توان چهار سال بعد هم دید (تیم فعلی معدل سنی حدود ۲۵ سال دارد). خیلی ظالمانه است در مورد یک بازی بنویسی و در مورد تیم بده هیچ چیز ننویسی؟ این حس من بود، و حالا حس بدی دارم چرا که هر دو تیم شایسته‌تر روز جمعه حذف شدند و حس بدتری دارم چراکه فکر می‌کنم هلند - که تنها هلند دو دهه اخیر است که دوستش ندارم - به راحتی اروگوئه‌ای را که احتمالاً لوگانو، گودین، لودیرو و سوارز را در خدمت نخواهد داشت، شکست می‌دهد.

دلداری ماندلا به جیان

پس از بازی جمعه‌شب بسیاری از طرفداران فوتبال قاره آفریقا تلاش کردند به‌جیان دلداری دهند. به هر حال این بازیکن فوق‌ستاره تیمش در جام جهانی بود و اگر گل‌های او نبود غنا تا این مرحله نمی‌رسید. یکی از اشخاصی که پس از حذف غنا سعی داشته به جیان دلداری دهد نلسون ماندلاست. کوزی نیان تاکی رئیس فدراسیون فوتبال غنا با اعلام این خبر عنوان کرد ماندلا در پیام خود برای جیان نوشته است: «تمام مردم آفریقا به‌به افتخار می‌کنند. به خاطر تلاشی که برای غنا و مردم آفریقا انجام دادی از این اتفاق تلخ باعث نخواهد شد که او نابود شود: «من بروم‌هاگم. من روحیه‌ای قوی دارم. این طبیعی بود که با انگیزه زیادی پشت ضربه پنالتی قرار بگیرم چون پنالتی‌زن خوبی هستم. فوتبال همین است. حالا به پنالتی گل نشده سوارز به قهرمان کشورش تبدیل شده، این در حالی بود که ما می‌توانستیم هم‌اکنون جشن بگیریم.» به هر ترتیب صحنه برخورد پنالتی جیان به تیر دروازه به یکی از لحظات تاریخی جام جهانی تبدیل شد؛ صحنه‌ای که مانع تاریخی‌سازی یک قاره شد.

■ **باز هم دست خدا**

اگر ستاره‌های سیاه خوش‌شانس بودند برای صعود به نیمه‌نهایی حتی به پنالتی اول جیان هم

گزارشی روزی

جام جهانی فرصتی برای تغییر دادن مربی

سونامی روی نیمکت

در حالی که تنها چند بازی بیشتر به اتمام جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی باقی نمانده است، تیم‌های بسیاری که از بخت‌های در اول قهرمانی در این دوره به شمار می‌رفتند از گردونه بازی‌ها حذف شدند. برزیل، انگلیس و پرتغال از جمله مدعیانی بودند که با بخت فراوان با جام نوزدهم وداع کردند. با حذف تدریجی تیم‌ها، خبرهای مربوط به سرمربیان داغ‌تر از گذشته می‌شود، به طوری که جای نقل و انتقال بازیکنان را در تیر اول روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها می‌گیرد. واکشتن فدراسیون‌ها به عملکرد سرمربیان در مسابقات مختلف بوده است. حالا جام جهانی به مسلخی برای برخی از آنها تبدیل شد و جایگاه بعضی دیگر را تثبیت کرد. کارلوس دونگا سرمربی برزیل ظاهراً تازه‌ترین قربانی جام است. دونگا چند ساعت پس از باخت مقابل هلند استعفا داد. برزیلی‌ها فقط از سرمربی تیم‌شان نارید و قهرمانی می‌خواستند، وظیفه‌ای که دونگا نتوانست از عهداشان براند. فوتبال در برزیل مساوی است با پیروزی. حالا دونگا باید برود و این مسوولیت سنگین را بر عهده فرد دیگری بگذارد. البته او عنوان کرده بود اگر برزیل قهرمان هم می‌شد کنارگیری می‌کرد. از انگلیس هم خبر رسیده که با وجود شکست مفتضحانه برابر آلمان و حذف شوکه شدن از عملکرد تیم در جام به دلیل غرامت چشمگیری که باید به کارلوس کرد در صورت فسخ قرارداد باپردازد، از کنار گذاشتن او صرف‌نظر کرده است. به نظر ریچاردز کاپلو هم‌اکنون بهترین فرد برای هدایت تیم ملی است. خبری از جام جهانی در مقابل دیدار بینر تیمی ملی است. کاپلو از دیدار چنین تصمیمی را نداشت در واکنش به اقدام مسوولان فدراسیون گفت: